

بزرگواری استاد

گویند ذکر خیرش در خیل عشقبازان هر جا که نام حافظ در انجمن برآید

در جریان ترجمه "تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام" که به سال ۱۳۶۰ بر می‌گردد جهت رفع اشکال و کمک‌گیری در تلفظ صحیح اسامی ناآشنا نظیر: ابن سحنون، ابوعلی سوار، ابن باجه، برهان‌الدین زرنوجی، ابو ثروان عکلی، ابوالحسن دارقطنی، ابن جماعه ابواضریر کرب، مقدسی، بلاذری، السبکی... و یا نشان دادن شیوه ترجمه و جمله‌بندی مطالب و خدمت‌استاد محترم حسن قاضی طباطبائی می‌رسیدم. در کتابخانه گروه ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز مجلس حافظ خوانی با اکثریت اعضای این رشته و مهمانانی علاقمند و مشتاق شکل می‌گرفت. حاجتمندانی که در کار تصحیح متون تاریخی و یا ادبی بودند برای بدست آوردن فرصت مناسب و طرح مشکل خود با استاد در آن مکان حضور پیدا می‌کردند. در

* - استاد دیا رگروه علوم تربیتی - دانشگاه تبریز .

۱- تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام "قرن ۱-۶ هجری"، دکتر محمد داغ و حفظ الرحمن رشید و یمن، ترجمه دکتر علی اصغر کوشا فر، انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۶۹ .

فاصله زمانی که چائی آماده می‌شد و تنفسی جریان می‌یافت، هر کس بنحوی از استاد را هنمائی می‌خواست. صفحهای از شیوه ترجمه را خدمت ایشان دادم، مطالعه کردند و آنگاه مسترد داشتند. نگاهها اغلب بسوی استاد بود و گوشها منتظر لطیفه‌های بجا و مناسب که بسا نشاط بیشتری به تماشاگاه‌ها را زبروند. غلط‌املائی در کار من وجود داشت و استاد متوجه گردیدند و به روی خود نیاوردند. آنگاه که معنی جویان در کوچه‌رندان بحرکت درآمدند و بررسی غزلیات مجدداً "شور گرفت"، برای اینکه مراعات حال مرا کرده باشند و کسی را متوجه ن سازند، به آرمی گفتند که "گزاردن" را با ذال اصلاح نمایند. اخطار سراپا لطف بود و از عظمت طبع و بزرگواری استاد حکایت می‌کرد. اصمعی (متوفی ۲۱۵ هـ ق) حافظه قوی داشت و به سرعت مطالب را حفظ می‌کرد. از ابو مسلم شیبانی (متوفی ۳۲۷ هـ ق) روایت می‌کنند که او هیچ چیز را فراموش نمی‌کرد. ابوبکر بن انباری (متوفی ۳۲۷ هـ ق) سیصد هزار بیت شعر از برداشت، بدیع الزمان همدانی (متوفی ۳۸۹ هـ ق) چنان بود که صد بیت شعر را با یک بار شنیدن حفظ می‌کرد و از اول تا آخر و از آخر به اول می‌خواند. مطالبی از حافظه ابوطیب متنسی شا عرب بزرگ عرب روایت شده که انسان را به بهت و اعجاب و امیدارد.^۳

سرگذشت شا عرفیلسوف ابوالعلاء معری (متوفی ۳۹۸-۴۹۹ هـ ق) هم در این زمینه پرازشگفتی می‌باشد و هم بر توانائی و برتری نبوغ بوماندان این دانشمند در قدرت حافظه و میزان محفوظات او دلالت دارد.^۴ خلدآشیان سید محمد حجت مجتهد مشهور (متوفی دیماه ۱۳۳۱- شمسی) شرح لمعه را متناً و شرحاً "حفظ بوده و استاد در حوزه درس ایشان حضور داشته‌اند.^۵

قوت حافظه و تسلط فراوان استاد در لغت و شعر و قوانین ادب و رجال و انساب و تاریخ زبان نزد خاص و عام بوده، از مهر سال ۱۳۴۴ در کلاس درس "آئین نگارش و قواعد املا" و "قرائت و تجزیه عربی" که

برای دانشجویان نیمسال اول کلیه رشته‌های تحصیلی در سالن ییلاکلاس بزرگ دانشکده ادبیات قدیم شکل می‌گرفت جزو شاگردان استاد بودیم. با آگاهی به تسلط استاد در زمینه‌های فوق‌شاهدتجلی‌گاه و بیگاه این شگفتی بودم. در قرائت عربی کلمه قطب بود و در جهت توجیه بیشتر از حضرت علی (ع) خطبه شقشقیه: "اما والله لقد تقممهها ابن ابی قحافه، وانہ لیلعلم ان محلی منها محل القطب من الریحی...". را با چنان لحن و حال خواندند که اثرش تا مغز استخوانم نشست و هنوز آن کلمات موزون قدسی در گوش و تمام وجودم طنین انداز است. و آنگاه وجه تسمیه این خطبه را نیز شرح دادند.

در هر جلسه درس در شکافتن معنی لغتی شعری می‌خواند و بهر مناسبتی سخن نغزی می‌گفت که بی‌نهایت برای نکته‌هایی صبری می‌کردیم و مشتاقانه سعی در انگیزش او چشم به لبانش می‌دوختیم. از جلسه دوم دانشجویان راه اسم صدا می‌کردند و بر روی بعضی از شهرت‌ها می‌ایستادند، پرس و جو می‌کردند، چون طولانی در این شناخت داشتند. در جشن استادی ممتاز مرحوم دکتر خیامپور (۱۵ تیر ۱۳۴۸) سلسله این خانواده را همراه با امتیازات افراد سرشناس آن خاندان بر شمردند^۶. و مقاله "خاندانهای فضل و دانش آذربایجان در عصر قاجار" سند محکمی بود که برای این شناخت ارائه کردند^۷.

در جلسات حافظ خوانی که در فوق‌الشارتی مختصر به آن شد، گاه‌گاه جذب شعر و معانی می‌شدم. حرف آخر را استاد می‌زد و صلابت خاصی در کلمات او بود. آنچه ارائه می‌کرد با استناد به آیهای و بیاید حدیث و شعری نظریه خورا استحکام می‌بخشید. در معنی بیت:

دع التکاسل تعنم فقد جری مثل که زاد را هروان چستی است و چالاکتی از غزلیات حافظ که مطلع آن: "کتبت قصه شوقی و مدعی باکی" می‌باشد. مستفاد از شعر منسوب به حضرت علی (ع)

لو کان هذا العلم یدرک بالمنی ماکان ببقی فی البریه جاهل
اجهد ولا تکسل ولا تک غافل

اعلام داشتند و در غزل دیگری که با مصراع: " ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی " آغاز می‌گردد، وقتی بیت آخر آن :
در دایره قسمت ، ما نقطه پرگا ریـــم

لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمائی
خواننده شد. استاد " آنچه اندیشیده‌ای لطف است و آنچه فرموده‌ای بد حکم است. " را از منشآت امیر نظام قائم مقام بیان داشتند و آنگاه هجویه آن ادیب را که در شکست جنگ گنجه برای سردار قشون سروده بود:

بگریز بهنگام که هنگام گریز است

رودر پی جان باش که جان سخت عزیز است

جان است نه آنست که آسانش توان داد

بشناس که آسان وجه دشوار چه چیز است

و شامل ۱۸ بیت است^۸. بسیار شیرین خواندند و حسن ختامی برای آن جلسه بود و سرور و نشاطی به حاضرین بخشیدند.

بحث‌های مجالس علمی و ادبی در تاریخ ادبیات و تمدن هر ملتی جایگاه ویژه‌ای دارد. در جهان اسلام نیز چنین جلساتی در منازل شخصی و یا دقیق‌تر اگر باشد در منازل دانشمندان برپا می‌شد. در این محافل مسائل علمی و ادبی مورد مطالعه و مباحثه قرار می‌گرفت. کوشش‌های برآمده در زمینه‌های علمی بسیار چشم‌گیر است. وزرای هارون الرشید به مناظره اهمیت زیادی داده و در کلام و فلسفه مجالسی دایر می‌نمودند. مامون خود در مناظرات مشارکت داشت. در یکی از این مجالس، اوستوالی را مطرح ساخت مبنی بر اینکه "شعری را خواننده اید که نشان بدهد سیر اینده آن خلیفه بوده است." چون از حاضرین جواب در یافت نداشت شعر را خود مامون خوانند. در ترجمه "تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام" باین نکته رسیدم، خواستم خبری از شعر بگیرم، ساعت یک بعد از ظهر بود، از اداره به خانسه تلفن کردم. خانم ایشان که استاد رضایت خود را از مشارالیه‌ها در

هر موقعیت مناسب ابراز می‌داشتند گفتند خواب هستند و اعلام داشتند یک ساعت بعد تماس بگیرید. مسئله را بموقع به استا دو به صورت تلفنی مطرح ساختیم. بلافاصله مطلع شعر را خواندند و خواستند که فردا به خدمتشان برسیم. صبح همدین یادداشت را که در ضمیمه تقدیم است با خود آورده بودند. عین یادداشت استاد مرحوم به قرار زیر است:

" شعری که ما مون عباسی در مجلس خود خوانده و به حاضرین و ندیمان خود اظهار داشته است که از آن بوی سلطنت و پادشاهی به مشام می‌رسد بیت مندرج در زیر است:

اسقنی من سلاف ربق سلیمی واسق هذا اللندیم کاساء عقارای
محل شاهد بنا به عقیده ما مون لفظ (هذا اللندیم) است که اشاره ای است ملکانه.

اضافه می‌شود که گوینده شعر ولید بن یزید بن عبدالملک است از خلفای لاقید و متهتک بنی امیه و اخبارش بطور مبسوط در آغانسی جلد ۷، ص ۳۷ (و مخصوصاً " قصه این شعر) طبع دارالکتب نقل گردیده است. این خلیفه را در آخر سر بریده اند و مبلغی از تهتکات او را صاحب آغانسی آورده است که من از درج و ذکر آنها در این ورقه خودداری کردم. نیز جهت اطلاع از اخبار ولید بن یزید غیر از آغانسی رجوع گردد به تاریخ الفخری و تجارب السلف و کامل ابن اثیر و سایر تواریخ مهم اسلامی. یادداشت شد روز یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۶۰ شمسی مطابق با روز سوم ماه مبارک صیام. حسن قاضی طباطبائی.

خدا و نداد استا دگر می را قرین رحمت فرماید.

هنوز خط خوش تونوازش بصیر است

هنوز مستی این جام نغز ابراست

فضای سینه ام از نامه تو باغ گل است

هوای خانه ام از خا هه تو مشک تراست

پا نویسی ها

- ۱- غنیمه ، استاد عبدالرحیم ، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی ، ترجمه دکتر نورالله کسائی ، تهران ۱۳۶۴، ص ۲۴۹ .
- ۲- ممتاز، آدم، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ، ترجمه علیرضا ذکا وتی قراگوزلو- تهران ۱۳۶۲ ، جلد اول ، ص ۲۲۲ .
- ۳- تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی ، ص ۲۴۹ .
- ۴- بارون کارادووو، متفکران اسلام، ترجمه احمد آرام تهران ۱۳۶۱ ، جلد چهارم، ص ۲۲۵ .
- ۵- نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۹۳، بهار سال ۱۳۴۹، ص ۱۲۸ .
- ۶- همان اثر، ص ۱۲۸ .
- ۷- چهره آذر ابادگان در آئینه زمان ، تبریز ۱۳۵۳، ص ۱۴۱ - ۱۸۲ .
- ۸- قائم مقام ، میرزا ابوالقاسم، منشآت قائم مقام ، تهران ۱۳۱۷، ص ۳۶۶ .

شهره که در آن جا به در صحن خود رفته و در صحنی که
نمونه در آنست دست که در آن روز عظمت و پرستی می

برسد بهت مذبذب مذبذب است

آهنگ می کوفت این سبب در آن که از این کلام
مهر شایسته به عقیده آن روز نماند خدا انبیا دست گرفته

الیه علامه

دعا فرمود که بنده تو را دیدم بر روی عیال است

فغان و آه و تنهنگ بن امید در جانش بود محیط بود
به یاری ۵۷ طبع در آن کتب نقل کرده است

اندا فرموده که در صحنی که تنهنگ است اندر
آن روز که در صحنی که در آنجا دلیلی در خود می

زین کتب و طبع در اخبار و دیدی زیر غیر از آن
جمع گردد به تاریخ همچون در کتاب آفت و کمال آن

در آن روز این همه رسیده در دست نه مذکوره

۱۰۶۰ - ۱۰۷۰ که مطابق به بند تمام با بارک صیام

به کلام در چندم خفا بکجا که شایسته و در آن روز

(مهر شایسته)

دکتر اعظم اسلامیه کمالی طرف